

## سوزنه روز

### جزئیات جذب ۲۵ هزار نیرو در وزارت بهداشت

مدیرکل منابع انسانی معاونت توسعه وزارت بهداشت از صدور مجوز جذب نیروی ۲۵ هزار نفری برای پروژه‌های بهداشتی و درمانی جدید وزارت بهداشت خبر داد و گفت: «اگر به سرعت کار جمع شود، اواخر اسفند یک مرحله آزمون خواهیم داشت.»  
دکتر سیف‌الله مرادی درباره جزئیات استخدام ۲۵ هزار نیرو برای پروژه‌های جدید الاحداث وزارت بهداشت اظهار کرد: «در بحث استخدام، ۲۵ هزار نفر به نتیجه رسید. طبق سند جامع مدیریت نیروی انسانی ۱۰ هزار تخت و قرار است به ازای هر تخت یک پرستار در قدم اول پیش بینی شود.»  
او با بیان اینکه مابراساس سند در چند مان نیروی انسانی پیش خواهیم رفت، گفت: «از این ۲۵ هزار جذب، ۱۱ هزار مربوط به بخش درمان، ۳۵۰۰ نفر مربوط به فوریتهای پزشکی و نزدیک به ۱۰ هزار نفر هم مربوط به بخش بهداشت است و تعداد اندکی هم برای سایر بخش‌ها در حال راه‌اندازی است.»  
مدیرکل منابع انسانی معاونت توسعه وزارت بهداشت افزود: «در مرحله بعد قول دادند خروجی‌های ما را پوشش دهند. یکی از مشکلات بازنشسته‌های ما است. در دو سال گذشته ۱۷ هزار بازنشسته داشتیم که باید تا همین و جایگزین شوند.»  
مرادی با بیان اینکه بنابراین اولویت اول تامین نیروی مراکز جدید است، بیان کرد: «تلاش داریم تا پایان سال یک مرحله آزمون داشته باشیم که اگر مجوز زودتر امضا شود، آمادگی برگزاری آزمون را داریم. اگر به سرعت کار جمع شود، اواخر اسفند یک مرحله آزمون خواهیم داشت، در غیر این صورت برای بعد از سال می‌افتد.»  
مرادی همچنین درباره وضعیت شهدای خدمات حوزه سلامت نیز تاکید کرد: «در بحث شهدای خدمات تاکنون ۴۵۰ پرونده از سراسر کشور به دست ما رسیده است. یک کمیته ۶ نفره داریم با حضور نمایندگان بنیاد شهید و... که پرونده را طبق قانون بررسی می‌کنند. قانون می‌گوید کسانی شهدای خدمات محسوب می‌شوند که در درمان مستقیم بیمار کرونایی، به کرونا مبتلا شده باشند. تاکنون ۲۹۶ پرونده تایید شده است.»

## عدد خبر

۸

هزار پروانه ساختمانی تا پایان سال در تهران صادر می‌شود

۸۰

درصد اتوبوس‌های پایتخت نیاز به نوسازی دارند

۶

هزار سالمند در کشور از خدمات مراکز روزانه سالمندی استفاده می‌کنند

## نقل قول

### لزوم توجه به قنات‌های تهران و ثبت خاک برای کاهش آسیب‌های زلزله احتمالی

عضو شورای اسلامی شهر تهران بر لزوم توجه به قنات‌های شهر تهران و ثبت خاک در این شهر برای کاهش آسیب‌های ناشی از زلزله احتمالی آینده در تهران تاکید کرد.  
نرجس سلیمانی در یک مصدوبیست و هشتمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران در تذکری با اشاره به وقوع زلزله مهیب در کشورهای ترکیه و سوریه گفت: «به صورت دوره‌ای شاهد وقوع زلزله‌های مهیب در غرب آسیا بوده‌ایم. تصاویر هولناک از زلزله کشورهای ترکیه و سوریه من را به یاد زلزله ۶.۶ ریشتری بم انداخت. در این زلزله من از لحظات اول در بم حضور داشتم و تصاویر هولناکی از این زلزله را مشاهده کردم. در زمان وقوع این زلزله اصلاحیه‌ای موسوم به اصلاحیه ۲۸۰۰ صورت گرفت که باید مورد توجه قرار گیرد.» او افزود: «در تهران تعیین تکلیف صدها هکتار بافت فرسوده و ناپایدار در کنار گسل‌های تهران امر ضروری به نظر می‌رسد. همچنین بی‌توجهی به وضعیت قنات‌ها در زلزله بم مشکلات و خرابی‌های بسیاری ایجاد کرد.» عضو شورای شهر تهران تاکید کرد: «امروز نیز باید قنات‌های تهران مورد توجه قرار گیرد تا در آینده مشکلات مضاعف ایجاد نکنند. بی‌تردید این موضوع با ثبات خاص در ارتباط است و باید مورد توجه جدی قرار گیرد.»



### سهام محیط زیست از کل لایحه بودجه ۱۴۰۲ تنها (دو دهم) درصد

معاون توسعه مدیریت، حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط زیست با ارائه گزارشی از بودجه ۱۴۰۱ سازمان حفاظت محیط زیست اظهار کرد: «برای اجرای قوانین و مقررات از مناطق چهارگانه نیاز است که بودجه محیط زیست از ۶۸۰ میلیارد تومان به ۳۷۰ میلیارد تومان و سهم بودجه محیط زیست از ۱۸ صدم درصد به نیم درصد از کل بودجه افزایش یابد، اما بودجه پیشنهادی برای ۱۴۰۲ نیز تنها دو دهم درصد است.»



### صدور یک روزه شناسنامه‌های جدید در میز خدمت ثبت احوال تا پایان بهمن

رئیس سازمان ثبت احوال کشور از صدور یک روزه شناسنامه‌های جدید به عنوان یکی از خدمات ارائه شده به شهروندان در میز خدمت این سازمان در ایام الله دهه فجر خبر داد. هاشم کارگر گفت: «در راستای خدمت روزانه سازمان ثبت احوال به مناسبت‌های گوناگون نیاز افرادی که عجله بیشتری دارند، فراهم می‌شود. به همین بهانه و برای تعویض شناسنامه‌های قدیمی و سایر نیازهای هویتی با برپایی میز خدمت، شناسنامه‌ها به صورت یک روزه صادر می‌شود.» او افزود: «این خدمت در برخی استان‌ها که درخواست‌ها زیاد بوده، انجام می‌شود. در تهران نیز این میز خدمت تا پایان بهمن ماه اجرایی خواهد شد.» کارگر ادامه داد: «در جریان میز خدمت شناسنامه‌ها یک روزه و در همین محل صادر و تحویل متقاضیان می‌شود. خدماتی همچون تعویض شناسنامه، مشاوره‌های مربوط به مدارک هویتی و موضوعات مربوط به کارت ملی نیز انجام می‌شود.»



گفت‌وگوی «شهروند» با تنها زن راهدار کشور؛ از رویای خلبانی تا نشستن پشت فرمان تریلی و کامیون

## شجاع دل در جاده‌های برفی

[ملیحه محمودخواه] تلفنش را که پاسخ می‌دهد احساس می‌کند یک مرد پشت خط است. صدای دورگه‌اش تو را به اشتباه می‌اندازد. شیرزن الیگودرز که سال‌ها راننده کامیون بود، حالا در برف و کولاک زمستان الیگودرز سوار خودروی راهداری می‌شود و راه را برای بازماندگان در برف و کولاک باز می‌کند. حس خوب کمک‌کردن به دیگران تمام آن چیزی است که او از کارش می‌خواهد و حالا این حس را هر روز و هر ساعت تجربه می‌کند. از همان زمان که زنی باردار را از مرگ حتمی نجات داد، به شغلی افتخار می‌کند و می‌خواهد سال‌ها در این شغل باقی بماند.

### دختری پر جنب و جوش با زوهای بلند

مهناز، دختر سیزه‌رو و پر جنب و جوشی بود که نه دلش عروسک می‌خواست و نه دوست داشت در آشپزخانه کنار مادر آشپزی کند. این کارها را به هفت خواهر دیگرش سپرده بود و خودش مدام در کوچه بازی می‌کرد.  
عاشق خانه و آرامش آن بود، اما یک جانشین و سکون برای او کسل کننده بود. مهناز قالی بافی را از خواهرهای بزرگ‌ترش آموخته بود و در این کار حرفه‌ای شده بود، اما باز هم راضی‌اش نمی‌کرد و دوست داشت کاری بیشتر از این انجام دهد.  
آرزو داشت خلبان شود و همه شهرها را با زیرپایش بگذارد. عاشق سفر بود. اما به قول خودش، نشد که بشود! او از خلبانی به ماشین راهداری رسید.  
دختر سیزه و شیرین داستان ما این را می‌دانست که آدم یک جانشین نیست. می‌دانست پراز انرژی است و رویاهای بزرگ در ذهنش می‌پروراند. می‌دانست انقدر با اراده هست که همه سختی‌ها را پشت سر بگذارد. گذشت زمان نیز به او ثابت کرد که زن روزهای سخت است.

### قالی بافی کار من نبود

او قالی باف خوبی بود، اما... «قالی بافی شغل آبا و اجدادی ما است. ما بختیاری هستیم و زنان بختیاری نقش وتار بود و را خوب می‌شناسند. اما انگار نشستن جلوی دار قالی کار من نبود. آرزوهای بزرگ‌تری داشتم و باید به آنها می‌رسید.»  
با مهاجرت از روستا به الیگودرز، شرایط برای او فراهم می‌شود تا نخستین گام را برای تحقق رویاهایش بردارد. سال ۸۳ گواهی‌نامه رانندگی می‌گیرد و به تعلیم رانندگی می‌پردازد. هم‌زمان سوپرمارکتی راه‌اندازی می‌کند.  
او می‌گوید: «برای نخستین بار در استان لرستان تاکسی تلفنی بانوان راه‌اندازی و چند سالی کار کردم. ده‌ها زن سرپرست خانوار با من کار می‌کردند و رزق و روزی حلال به خانمی بردند.»

اما راه‌اندازی آژانس آغاز مشکلات دیگری است: «روزی اول، آژانس بانوان برای مردم غریبه بود، مزاحم تلفنی داشتیم و برخی اذیت می‌کردند. از طرفی خودم ماشین نداشتم، به کمک فرماندار توانستم سال ۸۸ حدود ۵ میلیون تومان وام بگیرم و پژو آر.دی بخرم. بعد از مدتی قدمی بزرگ‌تر برداشتم و موفق شدم با آموزش و پرورش برای سرویس مدارس قرارداد ببندم. این اتفاق خوبی در استان محل زندگی ما بود.»

### یک راه پر پیچ و خم

باید خودش را به خانواده ثابت می‌کرد و نشان می‌داد که زن می‌تواند پایه‌های مرد کار و به دیگران کمک کند. او می‌خواست سخت‌ترین کارهای دنیا را امتحان و فعل خواستن را معنا کند.

او توضیح می‌دهد: «بعد از مدتی تصمیم گرفتم شغلم را تغییر دهم. کامیون خریدم، اما همه مخالف بودند. می‌گفتند مگر زن هم کامیون سوار می‌شود. فکر خراب شدن ماشین در جاده را کرده‌ای. فکر شب و جاده و خطر اتان را کرده‌ای؟»  
این‌ها حرف‌هایی بود که مهناز گاه و بیگاه از این و آن می‌شنید، اما در تصمیمش خللی ایجاد نمی‌شد. تریلی خرید و حمل‌کننده گاز مایع شد. خطرناک‌ترین محلول قابل حمل. اما نه ترسید و نه پاپس کشید. می‌خواست به خودش ثابت کند که می‌تواند این کار را انجام دهد. از چپگی رویایش این بود و اجازه نداد تبدیل به حسرت تمام عمرش شود. تصمیم گرفت به رویاهایش جامه عمل بپوشاند.

او در ادامه می‌گوید: «در شهر کوچک ما هنوز باورهای سنتی حاکم است، اما این مانع‌تراشی‌ها سد راهم نشد و شدم راننده جاده. نه اینکه راحت باشد، خیلی هم سخت بود. باید به همه نشان می‌دادم زن می‌تواند غنی باشد، با حجاب باشد و مثل

### هر روز برابم پراز خاطره است

باز کردن راه آن هم در زمستان هاسخت است، اما وقتی راه برای بیمار یا خانواده‌ای در راه مانده با می‌شود، تمام خستگی‌ات برطرف می‌شود. این راه‌ها را یک زن شجاع دل، می‌گوید و ادامه می‌دهد: «یک بار زنی باردار در روستایی زمان وضع حملش بود و باید به بیمارستان می‌رسید، اما راه بند آمده بود و نمی‌توانست از روستا حرکت کند. وقتی برای باز کردن راه رفتم، کار به سختی پیش می‌رفت. زن در میانه راه زایمان کرد و توانستم در وضع حملش به او کمک کنم. به هر سختی که بود راه را باز کردم و او را به بیمارستان رساندم. آن روز کارملا از خود مرصایت داشتم و احساس کردم همه سختی‌هایم به نتیجه رسیده است.» او گواهی‌نامه موتور سوار هم گرفته است و در تابستان با آن به سرکار می‌رود. عاشق کارش است و می‌گوید: «در هر کاری وقتی بتوانی به دیگران کمک کنی و سختی و مشکلی را که برایشان پیش آمده، برطرف کنی، می‌توانی به انسان بودن افتخار کنی. زمانی دوست داشتم خلبان شوم، بعد برای شغل آتش‌نشانی امتحان دادم، اما برخی شرایطش را نداشتم و سپس راهداری را انتخاب کردم. مهم نیست چه کاری انجام می‌دهی، مهم این است که هر کاری که انجام می‌دهی، خدا و رضایت مردم برایت مهم باشد و در شغلت بهترین خودت باشی.»

مهناز بهرامی هم اکنون تنها راهدار زن در کشور است. زمستان‌ها با برف‌روبی راه را برای مسافران باز می‌کند و تابستان‌ها به لکه‌گیری و نصب علائم در جاده‌ها مشغول است.

این راننده عاشق شعر و آواز است و به نظرش موسیقی بختیاری دلنشین‌ترین نوای آواز را در همه دنیا دارد. حالا دیگر نه کسی به او می‌گوید این چه شغلی است که انتخاب کردی و نه از دیدن او در پشت کامیون تعجب می‌کند. وقتی در جاده می‌راند مردم از زن و مرد تشویقش می‌کنند، به خصوص خانم‌ها. موقعی هم که از کنارش عبور می‌کنند، برایش کف می‌زنند و اینها همه برای او دلگرم‌کننده است.

مهناز بهرامی هم اکنون تنها راهدار زن در کشور است. زمستان‌ها با برف‌روبی راه را برای مسافران باز می‌کند و تابستان‌ها به لکه‌گیری و نصب علائم در جاده‌ها مشغول است.

این راننده عاشق شعر و آواز است و به نظرش موسیقی بختیاری دلنشین‌ترین نوای در همه دنیا دارد. حالا دیگر نه کسی به او می‌گوید این چه شغلی است که انتخاب کرده‌ای و نه از دیدن او در پشت فرمان کامیون تعجب می‌کند. وقتی در جاده می‌راند مردم از زن و مرد تشویقش می‌کنند، به خصوص خانم‌ها. موقعی هم که از کنارش عبور می‌کنند، برایش کف می‌زنند و اینها همه برای او دلگرم‌کننده است.

مهناز به شغلی پناهد که نام مردانه را یک می‌کشید، اما او به همه ثابت کرد که کار نشد ندارد. او معتقد است: «در دوره‌ای به سر می‌بریم که دیگر کار زنانه و مردانه معنا ندارد. زنان می‌توانند از عهده هر کاری که دوست دارند برآیند. زنان اگر کاری را انتخاب می‌کنند، حتماً آن را ادامه دهند و مطمئن باشند که با پیگیری و توکل به خدا همه چیز ممکن است. در تمام دوران سختی، تنها پشتیبان و روزنه امیدم خدا بود و بالاخره موفق شدم.»